

عوامل تاثیر گذار بر انتقال بین نسلی فقر مطالعه موردی شهرستان آبدانان، با تاکید بر رویکرد اسلام

محمد رضا یوسفی شیخ رباط^۱

سیده طیبه موسوی مقدم^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۵

چکیده

پژوهش حاضر با توجه به مبارزه جدی دین با پدیده فقر و پذیرش اهمیت انتقال بین نسلی فقر و رابطه نزدیک آن با افزایش سطح فقر به بررسی این انتقال در میان خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد شهرستان آبدانان (به عنوان گروهی از خانواده‌های فقیر) پرداخته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده که اطلاعات مورد نیاز آن از طریق منابع کتابخانه‌ای و ترکیب دو روش میدانی و دلفی جمع آوری شده است. براساس یافته‌های پژوهش، هرچه درآمد والدین کمتر باشد، احتمال فقیر شدن فرزندان افزایش می‌یابد. همچنین هر چه سطح تحصیلات والدین کمتر و تعداد فرزندان آنها بیشتر باشد، فقر در میان فرزندان آنها بیشتر خواهد بود. سطح بالای تحصیلات فرزندان با درآمد بالای آنها همراه بود. زن سرپرست بودن احتمال فقیر شدن فرزندان را بیشتر می‌کند. ۷۹ درصد از پاسخ‌گویان در روش دلفی معتقد بودند که سیاست‌های دولت احتمال بازتولید فقر را افزایش داده است.

واژه‌های کلیدی: فقر، انتقال بین نسلی فقر، آبدانان، کمیته امداد امام خمینی (ره)

طبقه بندی JEL: I39; I32; I20; D63

yousefi@mofidu.ac.ir

tayyebemousavi@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه مفید (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد اقتصاد نظری دانشگاه مفید

مقدمه

فقر پدیده‌ای اقتصادی اجتماعی بوده که در طول تاریخ همواره وجود داشته است. تعاریف متعددی با توجه به شرایط زمانی و مکانی برای فقر ارائه شده است. در یکی از این تعاریف سن^۱ بیان می‌کند که فقر صرفاً پایین بودن درآمد نیست، بلکه آن را محرومیت از قابلیت‌هایی چون سواد، آموزش و مهارت‌های فردی می‌داند. (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴) طبق این استدلال می‌توان گفت که، فقیر کسی نیست که درآمد ندارد یا درآمد او اندک است، بلکه فقیر کسی است که توانایی خروج از فقر را ندارد بنابراین سال‌های متمادی به ناچار گرفتار در فقر می‌ماند و این فقر را به فرزندان خود منتقل می‌کند، زیرا ویژگی‌های درونی پدیده‌ی فقر به گونه‌ای است که خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده و در خانواده‌ها و جوامع فقیر ماندگاری دارد، این مانایی، توسعه انسانی را محدود و مانعی اساسی سر راه توسعه اقتصادی کشورها قرار می‌دهد.

با توجه به سرعت گردش تکنولوژی و ورود امکانات پیشرفته شغلی و تحصیلی، فقیر متولد شدن به معنای ناتوانی در دسترسی به چنین امکاناتی برای تداوم زندگی است. فقرای بزرگسال کودکانی دارند که از فرصت‌های رشد محروم می‌مانند، این کودکان در معرض گرسنگی، بیماری، کمبود امکانات آموزشی، آسیب‌های اجتماعی و کار در سنین پایین قرار دارند و با نظارت اندک والدین بزرگ می‌شوند که یا به مدرسه نمی‌روند یا از حداقل امکانات آموزشی بهره می‌برند. چنین افرادی در کنار همسالانی شبیه به خود وارد نوجوانی و جوانی می‌شوند. پسران در سن کم وارد بازار کار با دستمزد اندک می‌شوند و دختران هم با افرادی هم رتبه خود ازدواج می‌کنند، و در سنین پایین صاحب فرزند می‌شوند. فرزندان نیز در این خانواده‌ها پا به پای فقر رشد می‌کنند و همان سرنوشتی که پدران و مادران آنها داشته‌اند را تجربه خواهند کرد و بدین ترتیب چرخه فقر شکل می‌گیرد که احتمال انتقال بین نسلی فقر را افزایش می‌دهد.

طبق توضیحات گفته شده، فقر در خانواده‌های فقیر طی فرآیندی خود را باز تولید می‌کند و از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت که انتقال بین نسلی فقر مجموعه‌ای از خصایص و تمایلات رفتاری میان خانواده‌ای خاص است که از یک نسل به نسل بعد انتقال پیدا می‌کند. این انتقال که سال‌های زیادی ممکن است طول بکشد خانواده را گرفتار فقری مزمن می‌کند که خروج از آن کار ساده‌ای نخواهد بود و شاید به تنهایی خارج از توان خانواده‌ها باشد و نیاز به ورود نیروهای بیرونی مثل سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت داشته باشد.

فرزندان خانواده‌های فقیر در منطقه مورد مطالعه از استعداد و توانایی‌های بالایی برخوردارند ولی به دلیل کمبود امکانات، شرایط خانوادگی و عدم توجه و تخصیص بودجه کافی توسط دولت، شرایط

1. Sen

برای بازتولید فقر در میان آنها مهیاتر است. در نتیجه با توجه به اثر بازدارندگی فقر بر توسعه کشورها و آثار سوء آن بر پویایی فقر، مطالعه و بررسی عوامل انتقال بین نسلی فقر ضروری به نظر می‌رسد.

پدیده فقر از منظر دینی نیز مورد نکوهش قرار گرفته است. در روایتی از امام صادق (ع) به نقل از حضرت ابراهیم آمده است: «خداوند، فقر از آتش نمرود سخت‌تر است» (محمد رضا حکیمی و محمد و علی؛ ۱۳۶۷)^۱ این نکوهش در نگرش دینی به دلیل نتایج سوء فردی و اجتماعی فقر در جامعه است. فقر مانعی در برابر بروز قابلیت‌های به ودیعه گذاشته شده الهی و شکوفایی استعدادهاست. انسان است. زیرا انسان مستمند همواره در پی رفع محرومیت خود بوده، به مسائلی که به تقویت کرامت انسانی وی می‌انجامد نمی‌تواند چندان بیندیشد. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۲) از این رو امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «فقر دین را زیان دارد و خرد را سرگردان کند» (سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۶)^۲ فقر از دو جنبه به دین فرد ضربه می‌زند. اول اینکه فقیر به دلیل عدم توانایی فکری مناسب و مشاهده نابرابری‌های اجتماعی، رفاه ثروتمندان و مشکلات مادی خویش، این مسائل را به خدا نسبت می‌دهد. (مرتضی مطهری، ۱۳۵۹) از همین روست که پیامبر (ص) می‌فرماید «فقر انسان را به کفر می‌کشاند» (محمد رضا حکیمی، محمد و علی؛ ۱۳۶۷)^۳ در حالی که فقر معلول روابط ناسالم اجتماعی و اقتصادی است. دومین کانالی که فقر به دینداری فرد ضربه می‌زند، گسترش گناهان و آسیب‌های اجتماعی مانند فحشاء است. به هر روی به دلیل این آثار، فقر پدیده‌ای مذموم از منظر دینی تلقی می‌شود. بر این اساس لازم است تا در هر دوره، عوامل و زمینه‌هایی که موجب فقر در جامعه می‌شوند بازبینی شده و برای رفع آن سیاست‌های لازم اتخاذ گردد. این نوشتار در تلاش است تا یکی از این زمینه‌ها را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد که در عرصه پژوهش‌های دانشگاهی، انتقال بین نسلی فقر کمتر مورد توجه قرار گرفته و علل و راه حل‌های کاهش آن مورد غفلت واقع شده است. از این رو در این پژوهش سعی شده با نگاهی متفاوت به فقر و انتقال آن وضعیت این پدیده در میان خانواده‌های فقیر شهرستان آبدانان مورد بررسی قرار گیرد.

این تحقیق در مقام پاسخ‌گویی به این سؤالات است:

چه عواملی باعث انتقال بین نسلی فقر در میان خانوارهای شهرستان آبدانان شده است؟ به دنبال طرح این سؤال دو سؤال دیگر نیز مطرح می‌شود که عبارتند از:

۱. «بارب، الفقر اشد من نار نمرود»

۲. «ان الفقر منقصه للدين مدهشه للعقل»

۳. «كاد الفقر ان يكون كفرا»

- تأثیر وضعیت تحصیلی والدین بر انتقال فقر در خانوارهای شهرستان آبدانان چه میزان است؟
 - تأثیر تعداد فرزندان خانواده بر انتقال فقر بین نسلی در میان خانوارهای شهرستان آبدانان به چه نحو است؟

در ادامه، ابتدا پیشینه‌ای از کارهای انجام شده در بحث انتقال فقر آورده شده، سپس نظریه انتقال بین نسلی فقر شرح داده می‌شود. پس از توضیح شیوه مطالعه تجربی به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود و در نهایت چند پیشنهاد سیاستی برای مقابله با انتقال بین نسلی فقر مطرح خواهد شد.

دورنمایی از شهرستان آبدانان

شهرستان آبدانان یکی از شهرستان‌های استان ایلام است که در جنوب غربی این استان واقع شده است و با مساحتی حدود ۲۳۸۵ کیلومترمربع ۱۱/۸۴ درصد مساحت کل استان را به خود اختصاص داده است. شهرستان آبدانان براساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰ دارای ۳ شهر، ۴۲ روستا، ۳ بخش و ۱۸ دهیاری است. این شهرستان در سرشماری سال ۹۰، دارای ۱۱۲۷۴ خانوار و ۴۶۹۷۷ جمعیت است که ۲۸۹۸۷ نفر از جمعیت شهرنشین و ۱۷۷۶۹ نفر روستانشین هستند.

استان ایلام به عنوان غربی‌ترین استان کشور از دیرباز تاکنون همواره با پسوند محروم در بین مردم مناطق مختلف کشور معروف بوده، به طوری که نام این استان بدون این واژه تلخ شاید برای برخی افراد ناآشنا باشد. بر مبنای جدیدترین بررسی‌های انجام شده برای سطح‌بندی مناطق مختلف کشور، استان ایلام با کسب رتبه ۲۶ در جمع استان‌های ۳۰گانه کشور و کسب رتبه ۲۸ در شاخص‌های اقتصادی و رتبه ۲۴ در شاخص‌های نهادی استانی محروم به شمار می‌آید. شهرستان آبدانان نیز به عنوان یکی از شهرستان‌های استان ایلام از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

نسبت باسوادی جمعیت شهرستان آبدانان ۹۲ درصد است. مراکز حمایتی در شهرستان آبدانان فقط به کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی محدود شده است.

فقر و محرومیت را می‌توان به سادگی در گوشه گوشه این شهرستان مشاهده نمود، نبود بیمارستان تخصصی، پزشک متخصص، فروشگاه‌های خالی از مشتری، کتابخانه‌های بدون کتاب، مدارس کهنه و بدون امکانات، کودکانی که با کمترین امکانات در کوچه و خیابان مشغول بازی کردن هستند، دانش‌آموزان با استعدادی که به دلیل فقر و محرومیت از ادامه تحصیل بازداشته می‌شوند، پروژه‌های عمرانی که به دلیل کم‌توجهی دولت سال‌ها بدون اعتبار باقیمانده اند و..... همه و همه بازگوکننده فقر و محرومیت در این شهرستان می‌باشد.

از میان جمعیت ۴۶۹۷۷ نفری آبدانان ۱۳۱۲۸ نفر تحت پوشش مراکز حمایتی قرار دارند این یعنی ۲۸ درصد جمعیت شهرستان آبدانان، البته این آمار در سال‌های گذشته بسیار بالاتر بود که

به دلیل تغییر سیاست‌های دولت و کمیته امداد تعداد زیادی از مستمری‌بگیران از تحت پوشش کمیته امداد خارج شدند در حالی که آنها هیچ‌گاه از فقر خارج نشده بودند. لازم به ذکر است که تعداد زیادی از مردم نیز مستمری‌بگیر ارگان‌هایی مثل بنیاد شهید و هلال احمر و تأمین اجتماعی می‌باشند.

در کنار موارد گفته شده اگر توسعه راه‌ها، امکانات بهداشتی و درمانی مجهز، امکانات و مراکز علمی، زیرساخت‌های تولید، مراکز اشتغال‌زایی و اماکن تفریحی و ورزشی را معیارهای توسعه‌یافتگی یک شهرستان معرفی کنیم به جرأت می‌توان گفت که شهرستان آبدانان به هیچ‌کدام از شاخص‌های توسعه دست نیافته است، شهرستانی که علیرغم جمعیت ۴۶ هزار نفری‌اش هنوز از نعمت گاز خانگی بهره‌مند نشده است. (این آمار مربوط به سال ۱۳۹۳ می‌باشد).

پیشینه تحقیق

دیوید هالم و کارن مور^۱ (۲۰۰۱) معتقدند که فقر بین نسلی می‌تواند اثر فقر مزمن باشد، این دو در مقالات متعددی به تبیین فقر مزمن پرداخته و از این طریق به شناسایی بیشتر انتقال بین نسلی فقر کمک کرده‌اند. از نظر اسمیت^۲ (۲۰۰۶) عوامل مختلفی مثل درآمد، سواد والدین، دارایی‌های خانوادگی و تحصیلات فرزندان دست در دست هم می‌دهند تا فقر اتفاق بیفتد ولی در مورد انتقال بین نسلی فقر این عوامل شامل محرومیت غذایی، محرومیت اجتماعی، انتقال سرمایه و دارایی، ساختار خانوادگی مانند بعد خانوار، موقعیت نژادی، جنسیت و خویشاوندی می‌شود. جان راجرز^۳ (۲۰۰۹) انتقال بین نسلی فقر را یکی از آثار فقر مزمن معرفی می‌کند و معتقد است که فقر مزمن تأثیر بیشتری بر روی رفاه افرادی که آن را تجربه می‌کنند دارد.

برخی مقالات به صورت مستقیم فقر بین نسلی را مورد بررسی قرار نداده ولی شرایط ایجاد آن از جمله بعد بالای خانوار، بیکاری سرپرست، بی‌سوادی و عوامل تأثیرگذار دیگری را که موجب پایداری فقر در خانواده می‌شوند را تبیین کرده اند. راغفر (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای همسایگی و روابط افراد را مورد بررسی قرار می‌دهد. راغفر بیان می‌کند که فقدان الگوهای رفتاری موجب می‌شود کودکانی که در همسایگی‌های فقیر رشد می‌کنند انتظارات و آرزوهای نازلی را در بازار کار آینده جستجو و از این رو به دنبال فرصت‌های تحصیلی کمتری بروند، همین امر موجب می‌شود فقر از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

1. David Hulm & Moor.K
2. Smith.B
3. Joan R.Rdgers

زمانی که این افراد وارد بزرگسالی می‌شوند، دستمزدهای نازل حاصل از تحصیلات نازل سبب خواهد شد که فرزندان آنها نیز در محله‌ها و همسایگی‌های فقیر به سر برند که فاقد الگوهای رفتاری مناسب هستند و بنابراین، این چرخه بازتولید می‌شود. طالب و فیروزآبادی (۱۳۹۰) در یک مطالعه مقطعی بیان می‌کنند که زنان و دختران روستایی فقر بین نسلی را یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی فقر معرفی می‌کند. آنان بیان کردند که نداشتن سرمایه، پول، سواد و موقعیت مناسب باعث شده است که نتوانند برای رهایی یا از بین بردن فقر اقدامی انجام دهند. آنان معتقد بودند اگر پدران آنها زندگی بهتری داشتند قطعاً زندگی آنها نیز بهتر از وضعیت حال بود. شیخی (۱۳۸۹) در یک مصاحبه ساختاری با استفاده از پرسش‌نامه از خانواده‌های حاشیه‌نشین نتایجی به دست آورد که طبق این نتایج رابطه معکوس متغیرهای میل به پیشرفت و میل به کنترل محیط با شدت فقر تأیید و مشخص شده که متغیرهای نگرش به فقر، وابستگی عاطفی، استبدادپذیری، سازگاری و تقدیر گرایی همبستگی مستقیم با شدت فقر اقتصادی دارند. متغیر عاملیت انسانی که نشان‌دهنده نگرش افراد به فقر و سرنوشت آنهاست نیز در خانواده شکل می‌گیرد. این والدین و سایر اعضای خانواده هستند که انگیزه‌های افراد و رفتار آنها را شکل می‌دهند، متأسفانه در خانواده‌های فقیر اتکا به توان شخصی برای خروج از فقر بسیار پایین است و بیشتر افراد همچنان منتظر نیرویی خارجی برای خروج از فقر هستند، به همین دلیل می‌توان گفت خانواده تعیین‌کننده اصلی در چرخه فقر و بازتولید آن است.

در مورد مسئله فقر در ایران تحقیقات بسیار گسترده‌ای انجام شده است اما در زمینه انتقال بین نسلی آن در ایران هنوز به صورت سازمان‌یافته و منسجم‌کاری صورت نگرفته است. تحقیقات در این زمینه بیشتر محدود به محاسبه خط فقر، علل آن و در بعضی موارد فقر کودکان و زنان و ویژگی‌های آن می‌شود. ولی در کشورهای اروپایی مطالعات بسیار خوبی در مورد انتقال فقر در بین خانوارهای فقیر صورت گرفته است که البته همچنان در مقایسه با سایر ابعاد فقر کم‌رنگ‌تر بوده و در بیشتر موارد اشاره‌ی مستقیم به انتقال فقر بین نسلی و چرایی و چگونگی آن نمی‌شود. اغلب این پژوهش‌ها اشاره کوتاهی به انتقال فقر داشته‌اند و آن را یکی از عوامل ثبات فقر معرفی می‌کنند.

حضور در بین فقرا و بررسی شیوه‌ی زندگی آنها در پیشبرد تحقیقات مربوط به مسئله انتقال بین نسلی فقر بسیار مؤثر است، بنابراین به دلیل خلاء کار تجربی در پژوهش‌های پیشین، مطالعه‌ی موردی در این مورد ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل بررسی انتقال بین نسلی فقر در این پژوهش با تأکید بر نقش خانواده و مطالعه‌ی موردی رفتار و شیوه‌ی زندگی افراد فقیر انجام می‌گیرد. تمرکز بر خانواده و مطالعه ویژگی‌ها و ساختار آن عامل تمایز این پژوهش با سایر کارهای انجام گرفته است.

بحث نظری

اصطلاح فقر بین نسلی^۱ معمولاً با فرهنگ بیکاری یا وابستگی رفاهی همراه است. فقر بین نسلی مجموعه‌ای از خصایص و تمایلات رفتاری میان خانواده‌هایی خاص است که از یک نسل به نسل بعدی انتقال پیدا می‌کند. به عبارتی خانواده‌های فقیر در دور تسلسل فقر گرفتار می‌شوند و تکرار این چرخه طی سالیان متمادی فقر را در میان آنها پایدار می‌کند، در نتیجه پدران این فقر را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. استدلال این است که چرخه خود را حداقل در سه نسل از یک خانواده خاص تکرار می‌کند. پس به‌طور کلی می‌توان گفت انتقال بین نسلی فقر فرآیندی است که طی آن خانوارها فقر و محرومیت را به فرزندان خود منتقل می‌کنند.

از نظر دیوید هالم (۲۰۰۱) فقر بین نسلی به احتمال زیادی مهارنشده است. بنابراین به احتمال زیاد تلاش‌ها برای خروج از فقر کاهش پیدا می‌کند. هالم استدلال می‌کند که فقر بین نسلی هم به‌عنوان ویژگی و هم به‌عنوان اثر فقر مزمن شناخته می‌شود. همان‌طور که در توضیح فقر مزمن نیز آورده شد یکی از ویژگی‌های فقر مزمن طول زمانی آن است، فقرای مزمن حداقل ۵ سال پی در پی درگیر فقر هستند، پس با توجه به ویژگی طول زمانی، فقر بین نسلی که سه نسل را درگیر خود می‌کند، به‌عنوان ویژگی فقر مزمن شناخته می‌شود. از آن سو فقر شدید باعث ضعیف شدن پایه‌های اقتصادی خانواده‌ها می‌شود و فرزندان افراد فقیر از همان ابتدای کودکی با محرومیت در تمامی ابعاد زندگی روبرو هستند در نتیجه فقر مزمن به‌عنوان محرکی برای انتقال بین نسلی فقر به حساب می‌آید. کیتبرد^۲ (۲۰۰۷) نیز استدلال می‌کند که، فقر بین نسلی تنها روی بچه‌ها و اینکه چگونه محرومیت دوره کودکی دوره‌های بعدی زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد تمرکز نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای از عوامل را معرفی می‌کند که فرصت‌ها و شانس زندگی افراد را محدود می‌کند. فقر بین نسلی همین‌طور به بررسی افراد بزرگسال نیز می‌پردازد، اینکه چه عواملی روی آنها فشار می‌آورد که باعث می‌شود آنها فقر را به فرزندان‌شان منتقل کنند. جنکینز^۳ (۲۰۰۷) در توضیح فرآیند انتقال فقر به بررسی روابط میان چند متغیر و تأثیر آنها روی درآمد فرزندان می‌پردازد. از نظر جنکینز انتقال فقر شامل فرآیندی است که طی آن والدین از سه مجرا درآمد فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، این سه مجرا عبارت‌اند از:

۱. توارث (استعداد و توانایی ژنتیکی)

۲. سواد والدین

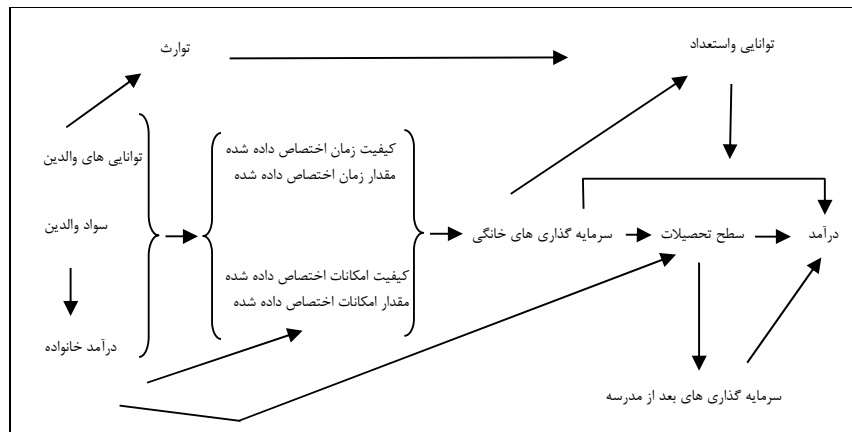
۳. درآمد والدین

1. intergenerational transmission of poverty

2. Bird.K

3. Stephan p. Jenkins

فرایند ذکر شده توسط جنکینز در نمودار زیر نشان داده شده است.



شکل ۱. فرآیند انتقال بین نسلی جنکینز ۲۰۰۷

در شکل ۱ نشان داده شده است، جنکینز بیان می‌کند که درآمد افراد توسط سطح تحصیلات و سرمایه‌گذاری‌های بعد از مدرسه و توانایی‌های اشخاص محدود می‌شود. نوع شغل نیز به طور ضمنی بخشی از درآمد را تشکیل می‌دهد. موقعیت تحصیلی به استعدادهای اشخاص، درآمد خانواده و میزان سرمایه‌گذاری خانواده بستگی دارد. از طرفی استعدادهای اشخاص توسط توارث (ژنتیک) و سرمایه‌گذاری خانواده محدود می‌شوند. سرمایه‌گذاری انجام شده توسط خانواده‌ها که به عنوان کانون فرآیند انتقال در نظر گرفته می‌شود، می‌توان گفت ترکیبی است از زمان و امکاناتی که خانواده‌ها به فرزندان اختصاص می‌دهند.

تفاوت خانواده‌ها در انجام سرمایه‌گذاری‌های خانگی، علت نقص در عرضه سرمایه انسانی آنها است. خانواده‌ها می‌توانند برای مراقبت بهتر از فرزندان، غذا و مسکن آنها بیشتر هزینه کنند و آنها را در آینده و برای سطح تحصیلات بیشتر حمایت کنند. بر اساس فرآیندی که استفان جنکینز توضیح می‌دهد، توانایی‌ها و سطح سواد والدین نقش بسیار مهمی در آینده شغلی و درآمد فرزندان بازی می‌کند. طبیعتاً والدین باسواد زمان و امکانات بیشتر و بهتری را در اختیار فرزندان قرار می‌دهند و از این طریق مستقیماً می‌توانند روی میزان تحصیلات و کیفیت آموزشی فرزندان شان تأثیرگذار باشند. از طرفی فرزندان استعدادهای بالقوه‌ای دارند که از طریق ژنتیک آنها را از والدین خود به ارث می‌برند، مثل هوش بالا که اثری بسیار قوی بر موفقیت تحصیلی بچه‌ها خواهد داشت.

درآمد والدین نیز به همین صورت می‌تواند اثری مستقیم روی سطح تحصیلات فرزندان داشته باشد، زیرا والدین پردرآمد حتی اگر نتوانند وقت زیادی را شخصاً صرف سرمایه‌گذاری روی فرزندان خود کنند اما می‌توانند از طریق هزینه کردن، شرایط را برای تحصیلات آنها فراهم کنند و همان طور که از مطالعات تجربی نیز پیداست سطح بالاتر تحصیلات با درآمدهای بیشتر همراه است. درآمد والدین مستقیماً می‌تواند روی درآمد اشخاص تأثیر داشته باشد.

از نظر موران^۱ (۲۰۱۳) فقر بین نسلی، مانعی در برابر ثبات و عدالت اجتماعی است که برابری فرصت‌ها در بدو تولد را نفی می‌کند و باعث نابودی انسجام اجتماعی، شکل‌گیری خشونت و نارضایتی مدنی می‌شود. انتقال بین نسلی در کشورهایی که گرفتار آن هستند با کاهش شدید فرصت‌ها برای بچه‌های فقیر و عدم شکل‌گیری سرمایه انسانی در آنها همراه بوده و در نتیجه مانع رشد و توسعه آن کشور می‌شود.

انتقال بین نسلی فقر یک فرآیند پیچیده است که به راحتی قابل حل نیست و در اینجا نیز تمامی عوامل آورده نشده است. به عنوان نمونه دارایی‌های مالی و فیزیکی هم می‌توانند بین نسل‌ها منتقل شوند و مستقیماً روی درآمد تأثیرگذار باشند که در فرآیندی که جنکینز بیان می‌کند آورده نشده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی، در مقطع زمانی ۱۳۹۳ بوده و اطلاعات مورد نیاز آن از طریق منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی با ترکیب دو روش میدانی و دلفی گردآوری شده است. از آنجایی که برای بررسی موضوع مورد تحقیق از دو روش دلفی و روش میدانی استفاده کردیم، در نتیجه دو جامعه آماری مجزا پیش رو داریم. در روش دلفی، نمونه از میان کارشناسان سازمان کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی شهرستان آبدانان و همین‌طور اساتید صاحب نظر در حوزه فقر انتخاب شده است. این نمونه شامل ۹ نفر کارشناس اداری و ۸ استاد اقتصاد دارای مدرک دکترای علوم اقتصادی و ۴ کارشناس ارشد علوم اقتصادی و یک نفر دکترای علوم اجتماعی و یک استاد روانشناسی دارای مدرک دکتری می‌باشد. اما جامعه آماری دوم که بخش اعظم مطالعات و بررسی‌ها به آنها مربوط می‌شود، شامل تمامی خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان آبدانان است. شهرستان آبدانان با وسعتی حدود ۲۳۸۵ کیلومتر دارای ۱۱۲۷۴ خانوار است که شامل ۲۸۹۸۷ جمعیت شهرنشین و ۱۷۷۶۹ جمعیت روستانشین می‌باشد که از این میان ۱۰۱۲۸ نفر و ۳۴۱۹ خانوار از آنها تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی می‌باشند. کمیته امداد

1. Moran.R

برای شناسایی اقشار آسیب‌پذیر از درخواست‌های خود افراد، همین‌طور معرفی خانوارهای فقیر توسط افراد قابل اطمینان استفاده می‌کند. به این صورت که بعد از بررسی درخواست‌ها و معرفی نامه‌ها معمولاً چند نفر از کارکنان کمیته امداد مأمور بازدید از محل زندگی خانواده معرفی شده می‌شوند. کمیته امداد معمولاً فاکتورهایی از جمله: کیفیت مکان زندگی، کالاهای بادوام، سطح آموزش، شغل، درآمد و فاکتورهای دیگری مانند داشتن زمین کشاورزی و دام، معلولیت و ناتوانی و تعداد ساکنین و محدودیت سنی (بالای ۵۰ سال) را دال بر آسیب‌پذیر بودن خانوار در نظر دارد. این سازمان شدت فقر و محرومیت خانوار را بر اساس دارا بودن این ملاک‌ها ارزیابی می‌کند. حجم نمونه مربوط به فقرا در این تحقیق از طریق فرمول کوکران ۳۴۵ نفر به دست آمده که به دلیل محدودیت‌هایی شامل مشکلات فرهنگی و بی‌سوادی سرپرستان خانوارهای فقیر تعداد پرسش‌نامه‌های پاسخ داده شده ۲۰۰ پرسش‌نامه بوده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده است. در نمونه‌گیری تصادفی هر عضوی از جامعه برای انتخاب شدن به عنوان یک عضو از نمونه از شانس مساوی و معین برخوردار است. به طوری که انتخاب هیچ عضوی در انتخاب عضو بعدی مؤثر نباشد. به عبارت دیگر هر آزمودنی به طور مستقل از سایر آزمودنی‌ها، شانس انتخاب شدن برابر باشد. از جمله مزیت‌های این طرح این است که از حداقل تورش برخوردار است و دارای بیشترین قدرت تعمیم‌پذیری است.

از آنجایی که شهرستان آبدانان دارای ۳ شهر و ۴۲ روستا می‌باشد ما مجبور بودیم که از این میان چند روستای منتخب داشته باشیم، این کار را نیز به صورت تصادفی انجام داده و فقط فاصله روستاها تا مرکز شهر را مد نظر گرفتیم به این منظور که از روستاهای دورتر نیز آزمودنی داشته باشیم. برای مصاحبه با سرپرستان خانوار (آزمودنی‌ها) به محل زندگی آنها سر زده و شرایط زندگی آنها را از نزدیک مشاهده می‌کردیم که این کار کمک شایانی به افزایش دقت پرسش‌نامه‌ها می‌کرد. پس از انتخاب اعضای نمونه پرسش‌نامه‌ای شامل سؤالاتی پیرامون وضعیت زندگی فقرا و نوع نگاه آنها به فقر تدوین شد. سؤالات در برگزیده‌ی برخی ویژگی‌های خانواده‌های افراد فقیر بود که به عنوان متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند. آزمون متغیرها و فرضیه‌های تحقیق با کمک روش تحلیل همبستگی صورت گرفت.

متغیرهای تحقیق عبارت اند از:

درآمد سرپرست خانواده، تحصیلات سرپرست خانواده، تعداد فرزندان، سن سرپرست خانوار، جنسیت سرپرست خانوار، وضعیت شغلی سرپرست، که خود به عنوان دو متغیر وارد برآورد ها شد:

۱. شاغل یا بیکار بودن

۲. نوع شغل آنها، درآمد فرزندان.

متغیر درآمد فرزندان به عنوان متغیر وابسته و سایر متغیرها به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

بعد از انجام آزمون‌های مربوط به روایی و پایایی پرسش‌نامه‌ها با حضور در محل زندگی فقرا گروه جمع‌آوری‌کننده داده‌ها خود در قالب مصاحبه با افراد فقیر مبادرت به پرسش‌نامه‌ها کردند. علت انتخاب این روش این بود که بیشتر سرپرستان خانوار را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دادند که توانایی پاسخ دادن به سؤالات را نداشتند، علاوه بر این برای جلوگیری از اغراق و بزرگ‌نمایی جهت جلب حمایت ارگان‌های حمایتی بهتر بود که مصاحبه حضوری انجام می‌گرفت. کاربرد تحقیق توصیفی از نوع میدانی به این دلیل در این تحقیق جواب داد که پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه پیش آزمون شده محقق ساخته (مقدار آلفای کرونباخ)^۱ تنها به توصیف آنها اکتفا نشده، بلکه برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، به تبیین نیز پرداخته شده است.

برای پاسخ به این پرسش که «آیا سیاست‌های دولت بازتولید فقر را در آبدانان افزایش داده است؟» از تکنیک دلفی استفاده شده، در این روش، نظر متخصصان حوزه‌ی فقر را در مورد بازتولید فقر و علل آن جویا شدیم. نمونه این روش از میان کارشناسان و استادان دانشگاه انتخاب شده و آنها پرسش‌های مربوط به عوامل تأثیرگذار بر فقر بین نسلی را پاسخ گفتند. بعد از بررسی پاسخ‌ها گزارش خلاصه‌ای از مجموع پاسخ‌های شرکت‌کنندگان برای هر نفر ارسال شد و متخصصان اجازه داشتند که پاسخ‌هایشان را بر اساس نتایج اصلاح کنند. بعد از پاسخ‌گویی نتایج دور دوم مجدد مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه‌گیری شد.

خروجی دلفی یک نظریه است به همین دلیل، آزمون فرضیه سوم بر اساس داده‌های روش دلفی انجام گرفت. اگر اجماع نظر کارشناسان در هر دو دور این فرضیه را تأیید کرده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که، سیاست‌های دولت، انتقال بین نسلی فقر را افزایش می‌دهد. لازم به ذکر است که برای آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

از آنجایی که برای بررسی موضوع مورد تحقیق از دو روش دلفی و روش میدانی استفاده شده است، در نتیجه دو جامعه آماری مجزا پیش رو قرار داشت. در روش دلفی، نمونه شامل ۹ نفر کارشناس اداری (کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی)، ۸ نفر استاد اقتصاد دارای مدرک دکترای علوم اقتصادی، ۴ کارشناس ارشد علوم اقتصادی، یک نفر دکترای علوم اجتماعی و یک استاد روانشناسی دارای مدرک دکترا می‌باشد. اما نمونه دوم از میان مددجویان کمیته امداد

۱. آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha) یکی از اصلی‌ترین و پرکاربردترین آزمون جهت قابلیت اعتماد است. آلفای کرونباخ اولین بار توسط لی کرونباخ روانشناس آمریکایی در سال ۱۹۵۱ برای تعیین قابلیت اعتماد آزمون‌های آموزشی و روانشناسی بسط داده شد و مقادیری بین صفر و یک را اختیار می‌کند.

شهرستان آبدانان انتخاب شد. حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۴۵ نفر به دست آمد که به دلیل محدودیت‌هایی شامل مشکلات فرهنگی و بی‌سوادی سرپرستان خانوارهای فقیر تعداد پرسش‌نامه‌های برگشتی ۲۵۰ پرسش‌نامه بوده است.

تحلیل داده‌ها

ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان:

از میان ۲۵۰ خانوار پاسخ‌گو ۱۵۲ خانوار از نمونه، خانوار شهری و ۹۸ خانوار روستایی بوده‌اند که از این میان، ۲۱ درصد را زنان سرپرست خانوار و ۷۹ درصد را مردان سرپرست خانوار تشکیل می‌دادند. ۶ درصد از پاسخ‌گویان در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، ۷۵ درصد در گروه سنی ۵۰ تا ۷۰ سال و ۱۹ درصد ۷۰ سال به بالا داشتند. میانگین سن و منحنی توزیع سن برای پاسخ‌گویان، چولگی به سمت گروه‌های سنی پایین‌تر از ۷۰ سال دارد. از آنجایی که برای بررسی انتقال بین نسلی فقر، باید وضعیت فرزندان خانوارهای فقیر مورد بررسی قرار می‌گرفت، به همین دلیل لزوماً می‌بایست سرپرستان با سنین بالا انتخاب می‌شدند که فرزندان آنها به سن کار و تشکیل زندگی رسیده باشند. ولی علت اصلی را باید محدودیت سنی مددجویان کمیته امداد دانست، زیرا کمیته امداد فقط سرپرستان بالای ۵۰ سال (جز موارد محدودی) را تحت پوشش می‌گیرد، پس می‌توان گفت که علت بالا بودن میانگین سنی در نمونه همین امر است. ۷۷ درصد از نمونه را سرپرستان بی‌سواد، ۱۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۵/۵ درصد سیکل و فقط ۰/۵ درصد را سرپرستان دارای مدرک دیپلم تشکیل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های بارز در این تحقیق بی‌سواد بودن بخش اعظمی از اعضای نمونه می‌باشد.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

منطقه محل زندگی			جنسیت سرپرست		سن سرپرست			سطح سواد سرپرست		
شهری	روستایی	زن	مرد	۴۰-۵۰	۵۰-۷۰	۷۰ به بالا	بی سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم و بالاتر
٪۶۰	٪۴۰	٪۲۱	٪۷۹	٪۶	٪۷۵	٪۱۹	٪۷۷	٪۱۶	٪۵/۵	٪۰/۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی

با بررسی افراد نمونه به این نتیجه رسیدیم که پدر سرپرستان خانوار (نسل اول) همگی بی‌سواد و عشایرنشین بوده‌اند. اختلاف طبقاتی در آن دوران بسیار کم بوده است، و تنها ملاک تفکیک فقیر از غنی داشتن زمین کشاورزی بوده است، افراد فاقد زمین کشاورزی تحت حمایت همه جانبه اقوام و همسایه‌ها قرار می‌گرفتند و فقر مطلق چندان احساس نمی‌شد. اما با گذشت زمان و تشکیل نسل بعد پدرانی که زمین و مسکن و ثروتی برای انتقال به فرزندان نداشتند تحت فشار مضاعف فقر قرار گرفته و روز به روز فقر در آنها مزمن‌تر شده، و بالاجبار فقر به فرزندان منتقل شده است. به دلیل ملاحظات فرهنگی و عدم تمایل افراد برای ابراز اعتیاد در خانواده رابطه معناداری میان فقر و اعتیاد برقرار نشد ولی چیزی که به وضوح دیده می‌شد این بود که پدرانی که اعتیاد مزمن داشتند بدون تردید فرزندان آنها گرفتار فقر بودند. اکثر پاسخ‌گویان، فقر والدین را علت فقر خود می‌دانستند و معتقد بودند که اگر والدین آنها وضعیت بهتری داشتند بدون شک آنها نیز گرفتار فقر نمی‌شدند. البته موارد اندکی (۶ مورد) اعتقاد داشتند که فقر والدین نمی‌تواند علت فقر آنها باشد ولی اذعان داشتند که اگر پدران آنها ثروت و سرمایه داشتند بدون شک گرفتار فقر نمی‌شدند. فرزندان در پاسخ به این سؤال که آیا شما تلاشی برای خروج از فقر انجام می‌دهید؟ پاسخ‌های مشابهی داشتند که تقریباً در دو دسته جای می‌گیرند: دسته اول ادامه تحصیل، مهاجرت و سخت کوشی را تنها راه خروج از فقر می‌دانستند و دسته دوم فقر خود را پذیرفته و تلاشی برای خروج از آن نمی‌کردند. نکته قابل ملاحظه اینکه جوانان شهرستان آبدانان مهاجرت به شهرهای بزرگ برای جستجوی شغل را یکی از راه‌های خروج از فقر می‌دانستند. یکی از نتایج بسیار مهم به‌دست آمده این بود که داشتن منزل مسکونی در شهرستان آبدانان نمی‌تواند ملاک مناسبی برای سنجش فقر و ثروت افراد باشد، زیرا تعداد زیادی از افراد حاضر در نمونه با اینکه وضعیت مالی مناسبی نداشتند ولی از منزل مسکونی برخوردار بودند. کیفیت محل زندگی و منزل مسکونی و امکانات رفاهی چون ماشین لباسشویی، جارو برقی، وسیله نقلیه، کامپیوتر و اینترنت خانگی معیارهای بهتری برای تشخیص فقر در یک خانواده آبدانانی می‌تواند باشد. صد در صد پاسخ‌گویان بدهی بانکی یا بازاری داشتند که به نظر می‌رسد بخش زیادی از بدهی‌های بانکی مربوط به تهیه مسکن و شغل برای فرزندان می‌شود. نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان لیسانس، بالاتر از سایر مقاطع تحصیلی بود. در حالی که افراد بی‌سواد و دیپلم، از آنجایی که به نوع شغل حساسیت نداشتند وضعیت بهتری از لیسانسه‌های بیکار داشتند گرچه بعضاً درآمد اندکی برای امرار معاش داشتند. فرزندان در پاسخ به این سؤال که چه چیزی را علت فقر پدران خود می‌دانند دلایل متعددی را بیان می‌کردند که از میان آنها موارد

زیادی بی‌سوادی، نداشتن مهارت، نداشتن سرمایه و ارث پدری، بیماری و اعتیاد را علت فقر پدران می‌دانستند. در این بین عده‌ای نیز تنبلی و بی‌مسئولیتی والدین را علت فقر بیان می‌کردند.

نتایج تحلیلی

۱. آزمونهای روایی و پایایی پرسش‌نامه

برای بررسی روایی پرسش‌نامه‌ها ابتدا پرسش‌نامه‌ی تدوین شده در اختیار تعدادی از افراد خبره و کارشناس قرار گرفت تا پرسش‌نامه بررسی و اصلاحات لازم انجام شود. پرسش‌نامه بعد از اعمال نظر کارشناسان اصلاحات لازم انجام گرفت و اعتبار پرسش‌نامه بالا برده شد.

پایایی پرسش‌نامه نیز با روش آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت. مقدار شاخص آلفا بین صفر تا یک متغیر است. آلفای صفر نشان‌دهنده‌ی ناپایداری مطلق آزمون است و ضریب یک معرف پایایی کامل است که به ندرت اتفاق می‌افتد. آلفای مناسب برای ابزارهای «محقق ساخته» ۰/۷ و با ۰/۸ و برای ابزارهای استاندارد ۰/۹ به بالاست. هدف از بررسی پایایی، این است که بدانیم ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد.

جدول ۲. آزمون پایایی

Cronbach's Alpha	N of Items
0.713	4

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول بالا آورده شده، مقدار ضریب کرونباخ در این تحقیق ۰/۷۳۱ محاسبه شده است که مقدار قابل قبولی است و بر اساس این ضریب می‌توان گفت که پرسش‌نامه از پایایی برخوردار است. آزمون پایایی میان چهار متغیر درآمد فرزندان، درآمد والدین، تعداد فرزندان و سطح تحصیلات والدین صورت گرفته است.

۲. آزمون آماری

با بررسی پرسش‌نامه‌ها به نظر می‌رسد که فرزندان والدین فقیر به احتمال بیشتری فقر را تجربه خواهند کرد. برای آزمون این مشاهده همبستگی میان درآمد والدین و درآمد فرزندان سنجیده می‌شود، رابطه میان درآمد والدین و درآمد فرزندان معمولاً یک رابطه یک‌طرفه است و درآمد فرزندان در بیشتر موارد تأثیری بر روی درآمد والدین ندارد، این امر از لحاظ تجربی نیز با بررسی پرسش‌نامه‌ها تأیید می‌شود. از آنجایی که پرسش‌نامه‌ها با روش مصاحبه پاسخ داده شده‌اند خود در جریان

زندگی فقرا قرار می‌گرفتیم و تقریباً می‌توان گفت که تمامی سرپرستان اعتقاد داشتند که بالا بودن درآمد فرزندان کمکی به افزایش و یا درآمدزایی والدین ندارد. برای بررسی این رابطه به دو صورت عمل کردیم. بار اول رابطه درآمد والدین و درآمد فرزندان را بررسی کردیم، یعنی میزان درآمد والدین با درآمد فرزندان، در این حالت درآمد فرزندان را ملاک اصلی فقر در نظر گرفتیم. بار دوم فرزندان را بر اساس درآمدی که داشتند و مقیاسی که کمیته امداد امام خمینی برای تحت پوشش گرفتن افراد دارد (بیکار باشند و یا درآمد پایین تر از ۳۰۰۰۰۰ تومان در ماه داشته باشند). به دو دسته فقیر و غیرفقیر تقسیم کرده و تأثیر مقدار درآمد والدین بر فقیر شدن یا نشدن فرزندان را آزمون کردیم. در پاسخ به سؤال دوم به نظر می‌رسد که والدینی که سطح سواد پایین و تعداد فرزندان بالا دارند به احتمال بیشتری فرزندان فقیر خواهند داشت.

در جدول شماره ۳، آزمون معنی‌داری رابطه بین درآمد والدین، تحصیلات والدین و تعداد فرزندان با سطح درآمدی فرزندان افراد فقیر آورده شده است.

جدول ۳. آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل با درآمد فرزندان

Sig	Pearson Correlation	متغیرهای مستقل
0.000	0.715	درآمد والدین
0.013	-0.157	تعداد فرزندان
0.000	0.416	تحصیلات والدین
متغیر وابسته: درآمد فرزندان افراد فقیر		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس اطلاعات جدول شماره ۳، با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون و سطح

معنی‌داری آن نتایج زیر قابل استخراج است:

- بین درآمد والدین و درآمد فرزندان ارتباط مستقیم و معنی‌دار آماری وجود دارد.

($P= 0.000$, Pearson Correlatoin= 0.715)

- بین تعداد فرزندان خانواده‌های فقیر و درآمد آنها ارتباط معکوس و معنادار آماری وجود دارد.

($P= 0.013$, Pearson Correlatoin= -0.157)

- بین تحصیلات والدین و درآمد فرزندان آنها ارتباط مستقیم و معنادار آماری وجود دارد.

($P= 0.000$, Pearson Correlatoin= 0.416)

جدول ۴. آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل با وضعیت درآمدی فرزندان

Sig	Pearson correlation	متغیر های مستقل
0.000	0.693	درآمد والدین*
0.003	-0.212	تعداد فرزندان*
0.000	0.425	تحصیلات سرپرست*
0.000	0.437	شاغل بودن سرپرست
متغیر وابسته: وضعیت درآمدی فرزندان افراد فقیر		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

براساس اطلاعات جدول شماره ۴، نتایج زیر قابل استخراج است:

در این جدول رابطه بین متغیرهای مستقل با درآمد فرزندان به گونه‌ای دیگر بررسی شده به این صورت که فرزندان به دو دسته فقیر و غیرفقیر تقسیم شده اند و رابطه متغیرها به جای اینکه با کاهش و افزایش درآمد مقایسه شود با فقیر شدن فرزندان مقایسه می‌شود.

- بین درآمد والدین و وضعیت درآمدی فرزندان (فقیر شدن یا نشدن فرزندان) رابطه مستقیم و معنادار آماری برقرار است. (P= 0.000 , Pearson Correlatoin= 0.693)

- بین تعداد فرزندان و وضعیت درآمدی آنها رابطه معکوس و معنادار آماری برقرار است. (P= 0.003 , Pearson Correlatoin= -0.212)

- بین تحصیلات سرپرست و وضعیت درآمدی فرزندان رابطه مستقیم و معنادار آماری برقرار است. (P= 0.000 , Pearson Correlatoin= 0.425)

- بین شاغل بودن سرپرست و وضعیت درآمدی فرزندان رابطه مستقیم و معنادار آماری برقرار است. (P= 0.000 , Pearson Correlatoin= 0.437)

علاوه بر متغیرهای مستقل مربوط به سؤال‌های اصلی تحقیق ما اثر متغیرهای دیگری مانند تحصیلات فرزندان، جنسیت آنها، شغل سرپرست و جنسیت سرپرست خانوار را نیز به عنوان متغیر مستقل بر درآمد فرزندان آزمون کرده‌ایم که در جدول شماره ۵، نتایج آن آورده شده است.

جدول ۵. آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل با درآمد فرزندان

Sig	Pearson correlation	متغیر های مستقل
0.000	0.177	تحصیلات فرزندان
0.000	-0.297	جنسیت فرزندان
0.293	-0.031	نوع شغل سرپرست
0.000	0.504	شاغل بودن سرپرست
0.021	-0.163	جنسیت سرپرست
متغیر وابسته: درآمد فرزندان افراد فقیر		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

براساس اطلاعات جدول شماره ۵، با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی‌داری آن، نتایج زیر قابل استخراج است:

- بین تحصیلات فرزندان خانواده‌های فقیر و درآمد آنها رابطه مستقیم آماری وجود دارد.
($P= 0.000$, Pearson Correlatoin= 0.177)

- بین جنسیت فرزندان خانواده‌های فقیر و درآمد آنها رابطه معکوس و معنادار آماری وجود دارد.
($P= 0.000$, Pearson Correlatoin= -0.297)

- بین نوع شغل سرپرست و درآمد فرزندان هیچ رابطه معنی‌دار آماری وجود ندارد.
($P= 0.293$, Pearson Correlatoin= -0.031)

- بین جنسیت سرپرست خانوار فقیر و درآمد فرزندان رابطه معکوس و معنی‌دار آماری وجود دارد.
($P= 0.021$, Pearson Correlatoin= -0.163)

تحلیل اقتصادی نتایج

همان‌طور که از تحلیل آماری نتایج پیداست طبق اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه وجود رابطه مستقیم میان درآمد والدین و درآمد فرزندان و همین‌طور فقیر شدن فرزندان تأیید شد، به این معنی که کم بودن درآمد والدین با کاهش درآمد فرزندان و بدتر شدن وضعیت آنها همراه است، پس به این ترتیب انتقال بین نسلی فقر در بین خانوارهای آبدانانی تأیید خواهد شد. طبیعی است که والدین فقیر به دلیل اشتغال به مشاغل سطح پایین و کم درآمد، پول و زمان کافی برای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی فرزندان نخواهند داشت، و اگر فرزندان خود نیز انگیزه کافی برای خروج از فقر نداشته باشند همچنان گرفتار در فقر خواهند ماند. اما این چرخه بن بست همیشگی نخواهد بود و همین‌طور که از بررسی آماری نتایج پیداست ادامه تحصیل فرزندان می‌تواند در شکسته شدن

این چرخه بسیار اثربخش باشد. در بخش نظری تأکید بسیاری بر اثر مثبت سواد والدین بر وضعیت درآمدی فرزندان داشتیم که یکی از سوالات تحقیق را نیز به خود اختصاص می‌داد، که این نتیجه در این بخش نیز با بررسی پرسش‌نامه‌ها تأیید شد به این معنی که افزایش سطح تحصیلات والدین احتمال فقیر شدن فرزندان را کاهش می‌دهد. والدین باسواد عموماً از سطح درآمدی خوبی برخوردار هستند و به طور قطع فرزندان را نیز ترغیب به ادامه تحصیل می‌کنند. علاوه بر این والدین با سواد از لحاظ فرهنگی نیز دروازه ذهنی فرزندان را به روی فقر مسدود می‌کنند. رابطه معکوس میان تعداد فرزندان و وضعیت درآمدی فرزندان نیز تأیید شد به این معنی که افزایش تعداد فرزندان با بدتر شدن فقر فرزندان همراه است و احتمال فقیر شدن فرزندان را افزایش می‌دهد. تعداد زیاد فرزندان در خانواده‌ها باعث کاهش سرمایه و وقت اختصاص یافته به فرزندان می‌شود و از این طریق راه را برای فقیر شدن فرزندان هموار می‌کند. در خانواده‌های پر جمعیت دارای پدر معمولاً به فرزند ارشد یا فرزند کوچک‌تر می‌رسد و یا اینکه سرمایه شکسته شده و بین فرزندان تقسیم می‌شود که در خانواده‌های فقیر مقدار ناچیزی است. در بسیاری از موارد دختران نیز سهمی از ارث پدر ندارند زیرا پدران فقیر اگر هم اندک سرمایه‌ای داشته باشند آن را به پسران خانواده می‌دهند، حداقل در منطقه مورد مطالعه وضع چنین است.

رابطه میان شاغل یا بیکار بودن سرپرست و فقیر شدن فرزندان کاملاً معنادار بود به این معنی که علی‌رغم اینکه نوع شغل تأثیر زیادی روی درآمد فرزندان ندارد ولی بیکار بودن سرپرست احتمال فقیر شدن فرزندان را افزایش می‌دهد، زیرا سرپرست بیکار هیچ درآمدی برای تأمین مخارج فرزندان ندارد در صورتی که والدین شاغل حداقل اندک درآمدی دارند که با آن افراد بتوانند ادامه تحصیل داده و راهی را برای خروج از فقر خود بیابند.

بین جنسیت سرپرستان خانواده و درآمد فرزندان آنها ارتباط منفی و معناداری وجود دارد، علت این رابطه واضح است، در شهرستان آبدانان شرایط برای کار کردن زنان از لحاظ فرهنگی و اجتماعی مهیا نیست و زنانی که شوهرانشان را از دست می‌دهند به ناچار باید اغلب به کمک ارگان‌های حمایتی چشم بدوزند، این شرایط وقتی زنان فرزندان خردسال دارند به مراتب بسیار سخت‌تر هم می‌شود زیرا در این صورت فرزندان نیز نمی‌توانند برای امرار معاش کمکی به مادر داشته باشند. به همین علت در این شهرستان فقرای زن سرپرست شرایطی به مراتب وخیم‌تر از سایرین دارند.

داده‌ها و نتایج در روش دلفی

چنانچه گذشت، در روش دلفی نیز یک پرسش‌نامه پیش‌آزمون شده و محقق ساخته (آلفای کرونباخ=۰/۷۴۱) را در دو دور در اختیار کارشناسان قرار داده شد، تا نظر خود را در مورد انتقال بین نسلی فقر و عوامل تأثیرگذار بر آن را بیان کنند. بعد از بررسی پاسخ‌های دور اول، خلاصه پاسخ‌های

دور اول در قالب یک گزارش در اختیار هر کارشناس قرار گرفت تا بر اساس پاسخ سایر کارشناسان، مجدداً نظر خود را در مورد سؤالات بیان کند. نتایج هر دور پرسش‌نامه به ترتیب در زیر آورده شده است.

جدول ۶. آزمون پایایی

Cronbach's Alpha	N of Items
0.741	22

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس داده‌های جدول شماره ۴، آزمون پایایی در پرسش‌نامه گروه کارشناس میان ۲۲ پرسش پرسش‌نامه صورت گرفته که بر اساس نتیجه پایایی پرسش‌نامه ۰/۷۴ به دست آمده و بر اساس توضیحات ارائه شده در روش کرونباخ میزان قابل قبولی است.

بر اساس بررسی پرسش‌نامه‌ها، اکثریت اعضای نمونه یعنی ۶۵ درصد از کارشناسان، نظر به اهمیت بالای فقر والدین بر احتمال فقیر شدن فرزندان آنها داشته‌اند. در بررسی اهمیت تأثیر فقر والدین بر موفقیت تحصیلی فرزندان آنها، ۶۵ درصد از کارشناسان استدلال کرده‌اند که فقر والدین اهمیت زیادی بر موفقیت تحصیلی فرزندان آنها دارد. نظر کارشناسان در مورد تأثیرپذیری موقعیت شغلی فرزندان از فقر خانواده نیز گویای اهمیت بالای این مسئله می‌باشد، به طوری که ۶۰ درصد از کارشناسان رأی به پر اهمیت بودن آن داده‌اند. ۵۶ درصد از کارشناسان اعتقاد داشته‌اند که داشتن شغل خودگردان به میزان بالایی مانع از فقیر شدن فرزندان آنها می‌شود. که در این میان یک نفر از اساتید حوزه فقر معتقد بودند که نوع شغل نیز تأثیرگذار است، اینکه پدر صاحب کارخانه‌ای بزرگ باشد یا اینکه دستفروشی معمولی تفاوت بسیار زیادی در نتیجه ایجاد خواهد کرد. در مورد تأثیر زمین کشاورزی نیز نظر اکثریت بر تأثیر بالای آن بر وضعیت فقر بوده است. ۷۳ درصد از پاسخ‌گویان با این فرضیه که اگر پدران افراد فقیر زندگی بهتری داشتند فرزندان آنان نیز از زندگی بهتری برخوردار بودند، موافق بوده و این فرضیه را به طور قطع پذیرفته‌اند. ۶۵ درصد از پاسخ‌گویان در مورد تأثیر بسیار زیاد فقر مزمن بر انتقال فقر از والدین به فرزندان اتفاق نظر دارند، در مورد این سؤال که افراد فقیر به شرایط خود عادت کرده‌اند و تلاشی برای خروج از آن ندارند نظرات بسیار متفاوت بوده، به طوری که ۴۰ درصد این نظریه را رد کرده‌اند، ۳۰ درصد پذیرفته‌اند و مابقی نظری مابین این دو داشته‌اند. ۶۵ درصد از پاسخ‌گویان معتقد بوده‌اند که افراد فقیر تنها با تلاش و کوشش خود قادر به خروج از فقر خواهند بود. اکثریت پاسخ‌گویان (۶۵ درصد) ادامه تحصیل

فرزندان را عاملی برای خروج از فقر معرفی کرده‌اند و نیمی از پاسخ‌گویان اعتقاد داشته‌اند که حضور فردی تحصیل کرده در خانواده می‌تواند مانع از گسترش فقر در خانواده شود. به نظر پاسخ‌گویان جنسیت سرپرست خانوار عامل مهمی برای انتقال فقر بین نسل‌ها باشد (۶۵ درصد). ۶۰ درصد از کارشناسان اعتقاد داشته‌اند که فرزندان زیاد شانس فقیر شدن آنها را افزایش می‌دهد. ۷۳ درصد تأثیر سیاست‌های دولت و عدم تخصیص مناسب بودجه به شهرستان آبدانان را بسیار زیاد دانسته و ونظر به اهمیت بالای این مورد بر بازتولید فقر در آبدانان داشته‌اند. ۸۲ درصد معتقد بوده‌اند که نبود فضای صنعتی در آبدانان به فقر خانواده دامن زده و موجب انتقال آن در میان نسل‌ها می‌شود. همان‌طور که مشاهده شد نتایج بالا با نتایج حاصل از پرسش‌نامه گروه فقرا هماهنگی کامل دارد، تأثیر منفی جنسیت سرپرست خانواده، تعداد فرزندان و بیماری مزمن بر بازتولید فقر و تأثیر مثبت آموزش و درآمد والدین توسط کارشناسان نیز تأیید شد.

نظر کارشناسان در دور دوم نیز در اغلب موارد شبیه به دور اول بوده و نظرات خود را تأیید کردند. در مورد تأثیر سیاست‌های دولت در بازتولید فقر در این دور نیز ۷۸ درصد نظر به اهمیت بالای آن داشته‌اند و به این ترتیب از آنجایی که در دور اول نیز کارشناسان همین نظر را داشته‌اند. بنابراین "عدم تخصیص مناسب بودجه و سیاست‌های دولت بازتولید فقر در آبدانان را افزایش می‌دهد" که این پاسخ با رأی ۷۸ درصدی کارشناسان تأیید شد.

نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های به‌دست آمده و آزمون‌های آماری بیشتر والدین فقیر در آبدانان فرزندان فقیر داشتند. سطح تحصیلات چه در والدین و چه در فرزندان رابطه مستقیم با درآمد بالای فرزندان دارد. همچنین افزایش تعداد فرزندان احتمال فقیر شدن فرزندان را افزایش می‌دهد. بر اساس آزمون داده‌ها، وجود رابطه‌ی معنادار میان متغیر وابسته با متغیرهای مستقل دیگری مانند سطح تحصیلات فرزندان، جنسیت فرزندان و جنسیت سرپرست خانوار نیز اثبات شد. به‌طور خلاصه اینکه ویژگی‌های خانوادگی فقرا مانند سطح آموزش، جمعیت، نوع شغل و جنسیت سرپرست خانوار تأثیر زیادی روی بازتولید فقر دارد و بزرگ شدن در یک خانواده فقیر شانس فقیر شدن افراد را به مقدار زیادی افزایش می‌دهد. در کنار این عوامل، نقش دولت در انتقال فقر از والدین به فرزندان نیز بسیار پررنگ ارزیابی شد. طبیعی است که اینها تنها عوامل تأثیرگذار بر بازتولید فقر نیستند بلکه عوامل سیاسی-اجتماعی و محیطی بسیاری هستند که این چرخه را تقویت می‌کنند از آنجایی که بررسی تمامی عوامل تأثیرگذار از حوصله‌ی این تحقیق خارج بود ما عوامل کلیدی‌تر را شناسایی و بررسی کردیم. در نتیجه می‌توان گفت که وضعیت زندگی پدران سرپرست، سرپرستان و فرزندان آنها تقریباً مشابه بود و فقر را می‌شد در سه نسل از یک خانواده مشاهده کرد.

پیشنهاد‌های سیاستی

- ایجاد فرهنگ کار و تلاش و کارایی اجتماعی (تغییر رفتار و ارزش‌های فقرا)
 با بررسی پاسخ‌های پرسش‌نامه‌ها و مشاهده نوع زندگی فقرا به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اقدام برای کاهش فقر و جلوگیری از انتقال آن در خانواده از پدران به فرزندان، از بین بردن فرهنگ فقر است. این که افراد فقیر به دنیا می‌آیند اشتباه آنها نیست ولی باید بدانند که اگر فقیر از دنیا بروند اشتباه خود آنهاست. فقرا باید به این مرحله از شناخت برسند که آنها نیز می‌توانند با تلاش و کوشش خود زندگی خوبی را تجربه کنند. آنها باید یاد بگیرند که برخی از اصول و عقاید غلط زندگی را کنار بگذارند، مثلاً یاد بگیرند که پس‌انداز کنند و به نیازهای تغذیه‌ای و سلامت و آموزش خود و فرزندان بیشتر رسیدگی کنند. آنها باید اهمیت آموزش را درک کنند و همواره در جهت افزایش مهارت و سواد فرزندان خود کوشا باشند. با مطالعه و بررسی نظریات مربوط به فرهنگ فقر به نظر می‌رسد که بهتر است جامعه‌شناسان برای زدودن و کاهش فقر در خانوارها و همین‌طور جلوگیری از انتقال و گسترش آن در میان نسل‌ها در جهت تغییر رفتار و ارزش‌های فقرا گام بردارند. برای این کار دخالت دولت ضروری است. پیشنهاد می‌شود که دولت از طریق کمیته امداد امام خمینی (ره) با همکاری جامعه‌شناسان کلاس‌های آموزشی با محوریت اصول فرهنگی (ترویج روحیه کار و تلاش و کارآفرینی) برای مددجویان برگزار کند. حضور مادران در این کلاس‌ها بسیار حائز اهمیت می‌تواند باشد، زیرا فرهنگ فقر از لابه‌لای اصول تربیتی والدین به فرزندان منتقل می‌شود و از آنجایی که اغلب مادران خانواده‌های فقیر آبدانانی خانه‌دار هستند نقش اصلی را در تربیت فرزندان ایفا می‌کنند پس باید زمینه برای آموزش مادران فراهم شود که آنها بتوانند فرزندان کوشا و جویای کار تربیت کنند.

- بالا بردن سطح سواد سرپرست خانوار

طبق یافته‌های تحقیق مشخص شد که اکثر سرپرستان خانواده‌های فقیر بی‌سواد بودند و همین‌طور که مشاهده شد همبستگی بالایی میان تحصیلات والدین با سطح درآمدی فرزندان وجود دارد. پس افزایش سطح سواد والدین به خصوص مادران تأثیر به‌سزایی در کاهش فقر خانواده‌ها دارد. کمیته امداد امام خمینی می‌تواند با برگزاری کلاس‌های سوادآموزی به آگاه‌سازی مادران بپردازد. مادران آگاه می‌توانند به میزان زیاد مانع از شکل‌گیری فرهنگ فقر در فرزندان شده و همچنین تعامل آنها با فرزندان را بیشتر می‌کند و از این طریق می‌توانند در شکل‌گیری هرچه بهتر آینده فرزندان تأثیر گذار باشند.

- توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت آنان در خانواده و جامعه

- توسعه کارآفرینی و توانمندسازی جوانان واقشار کم درآمد

- ایجاد فرصت های شغلی درآمدزای مناسب برای مددجویان
- بعد از توانمندسازی مددجویان باید زمینه های شغلی نیز برای آنها فراهم شود. ایجاد شغل می تواند از طریق سرمایه گذاری و اعطای وام به مددجویان برای راه اندازی مشاغل مرتبط با کشاورزی و دام داری باشد. بدلیل بهره مندی آبدانان از طبیعت غنی شرایط برای پرورش دام بسیار مناسب است. از این رو دولت با اعطای تسهیلات در این زمینه شرایط را برای خروج از فقر فراهم کند.
- توسعه مناطق شهری و روستایی
- ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه مددجو
- خانواده های تحت پوشش کمیته امداد در کنار کمبود سرمایه قتصادی، فاقد سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی (روابط و پیوندهای اجتماعی بالا، مشارکت اجتماعی، عضویت در شبکه های جمعی و...) نیز هستند. کمبود یکی از اشکال سرمایه فرآیند بازتبدیل انواع سرمایه را با مشکل مواجه می کند و مانع از آن می شود که گروه های محروم بتوانند به سهولت جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود را در نظام طبقاتی جامعه ارتقاء بخشند. پیشنهاد می شود تقویت سرمایه اجتماعی فقرا به عنوان راهی برای تقویت سرمایه اقتصادی آنها مد نظر قرار بگیرد.

منابع

۱. ارضروم چیلر، مرضیه، "ابعاد گوناگون فقر در ایران"، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، بانک مرکزی، شماره ۱۳۸۴، ۲۷.
۲. البرز، مسعود، سمانه افتخاری و مجتبی گنجعلی، "عوامل تعیین‌کننده احتمال فقر افراد با استفاده از مدل لوژستیک تجمعی ترتیبی"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۸۶، صفحات ۱۳۹-۱۲۵.
۳. ارایبی، سید محمدمهدی، "آسیب‌شناسی برنامه‌های فقرزدایی در ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۴، صفحات ۴۱۲-۳۸۷.
۴. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۵. پیران، پرویز، "نگاهی به مفاهیم فقر و فقرزدایی"، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، ۱۳۷۵، صفحات ۱۰۹-۱۰۰.
۶. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی؛ الحیاه؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ تهران؛ ۱۳۶۷.
۷. خدادادکاشی، فرهاد و فریده باقری، "نحوه توزیع فقر بین خانواده‌های ایرانی" (۱۳۷۹-۱۳۷۱)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۲، ۱۳۸۴، صفحات ۴۲-۳۱.
۸. خدادادکاشی، فرهاد و ابراهیم جاویدی، "اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۹۰، صفحات ۱۰۷-۸۳.
۹. خدادادکاشی، فرهاد، "اندازه‌گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص "سن" در ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، ۱۳۷۷، صفحات ۸۴-۶۱.
۱۰. راغفر، حسین، "فقر و توزیع درآمد، فصلنامه اقتصاد و جامعه"، سال سوم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۶، صفحات ۱۸۶-۱۴۵.
۱۱. راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی، "فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۸"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۸۶، صفحات ۸۲-۵۵.
۱۲. راغفر، حسین و لیلا صانعی، "اندازه‌گیری آسیب‌پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران یک روش‌شناسی خانوارهای محروم"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، ۱۳۸۹، صفحات ۴۲۷-۳۸۹.
۱۳. راغفر، حسین، حمید کردبچه و مرضیه پاک‌نیت، "تله فقر در اقتصاد متکی به منابع طبیعی ایران"، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۱۳۹۱، صفحات ۱۷۱-۱۴۳.

۱۴. زاهدی، محمدجواد، امیرملکی و امیرارسلان حیدری، "فقرو سرمایه اجتماعی"، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۳۸۷، ۲۸، صفحات ۱۰۶-۷۹
۱۵. زیبایی، منصور، "بررسی پویایی فقر در ایران با استفاده از داده‌های مرکب خانوارهای روستایی و شهری"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۳۲، ۱۳۸۶، صفحات ۸۳-۵۰
۱۶. شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، چاپ دهم
۱۷. شیانی، ملیحه، "فقر محرومیت و شهروندی در ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۴، صفحات ۶۴-۴۱
۱۸. شیخی، محمد و ابوالفضل امانیان، "عاملیت انسانی و فقر بررسی ارتباط کنش مؤثر فردی با فقر اقتصادی در مهاجرین حاشیه‌نشین کلان‌شهر تبریز"، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۸۹، صفحه ۹۲-۶۸
۱۹. طالب، مهدی، احمد فیروزآبادی و صدیقه پیری، "مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی"، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۲۰، ۱۳۹۰، صفحات ۱۶۲-۱۴۳
۲۰. عبیری، غلامحسین، "روند فقر در ساختارهای اقتصاد تبعیض‌گرا، بانک و اقتصاد"، شماره ۷۸، ۱۳۷۷، صفحات ۶۵-۶۱
۲۱. لوییس، اسکار، "فرهنگ فقر"، سیدمهدی ثریا، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴، ۱۳۵۳، صفحات ۱۴۰-۱۲۴
۲۲. ماهر، علی، "بررسی رابطه فقر و سلامت در ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۸۴، صفحات ۱۴۸-۱۲۹
۲۳. محمدپور، احمد و مهدی علیزاده، "زنان و فرهنگ فقر، مطالعه کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۰، ۱۶۵-۱۹۷
۲۴. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۵۹
۲۵. مهربانی، وحید، "تأثیر آموزش برفقر و نابرابری درآمدها"، تحقیقات اقتصادی، ۱۳۸۷، شماره ۸۲
۲۶. یوسفی، محمد رضا، کلیات اقتصاد اسلامی، نشر خرم، ۱۳۷۵

27. Bird.K (2007), "the Intergenerational Transmission of Poverty", Chronic Poverty Research Center (CPRC), London
28. Bishop.J & Amiel.Y (2007), "Inequality and Poverty", JAI Press is an Imprint of Elsevier, Amsterdam
29. Cristina.A (2007), "Intergenerational Transmission of Isadvantage a review of Evidence fo OECD Countries", Paris CEDEX, France

30. Fields.G & Feffermann.G, (2003), "Pathways out of Poverty", KLUWER ACADEMIC Publisher, International Finance Corporation, London
31. Hedman.L, Manley.D, van Ham. Mand Östh.J, (2012), Cumulative Exposure to Disadvantage and the Intergenerational Transmission of Neighbourhood Effects, IZA P.O. Box 7240 , 53072 Bonn, Germany
32. Hulme.D, Moore.K and Shepherd.A, (2001), "Chronic Poverty: meaning and analytical Frameworks", Intergenerational Development United Kingdom
33. Jenkins.S & Siedler.T (2007), "the Intergenerational Transmission of Poverty in Industrialized Countries", DIW Berlin
34. McLanahan.S (1985), "Family Structure and the Reproduction of Poverty", American Journal of Sociology. pp 873-901
35. McLanahan.S (2009), "Fragile Families and the Reproduction of Poverty", Annals of the American Academy of Political and Social Science, pp 111-131
36. Moran.R (2003), "Escaping the Poverty Trap. Investing in Children in Latin America", Published by the inter-America Development Bank, Washington, D.C 20577
37. Moor.K (2004), "Chronic. Life-Course and Intergenerational Poverty and South-East Asian Youth, Chronic Poverty Research Center" (CPRC), University of Manchester, United Kingdom, Available from: <http://www.ChronicPoverty.org>
38. Moor.K (2005), Thinking About Youth Poverty Through the Lenses of Chronic Poverty. Life-Course Poverty and Intergenerational Poverty, Chronic Poverty Research Center (CPRC), United Kingdom, Available from: <http://www.ChronicPoverty.org>
39. Nelson.J & Martin.K (2013), What Worka in Supporting Children and Young People to Over Come Persist Poverty?: Office of the First Minister and Deputy First Minister
40. Rodgers.J (2009), Chronic and Temporary Poverty in Australia, Center for Human and Social Capital Research
41. Smith.B (2006), Intergenerational Transmission of Poverty in Sub-Saharan Africa, CPRC Annotated Bibliography No
42. SalehiIsfahani.J and Majboury.M (2008), "Understanding Mobility and Dynamics of Poverty in Iran"

